

عباس لاجوردی، کارگردان فیلم:
برای ساخت «جشن تولد» بیمه
حضرت زینب(س) شدیم

یکی از آثار مهم اکران شده در دومین روز جشنواره فیلم فجر در برج میلاد، فیلم «جشن تولد» بود که داستان خانواده سوری را روایت می‌کند که شب جشن تولد فرزندشان به نام «رقیه» با حمله تکفیری‌ها به دمشق و حرم حضرت زینب(س) همراه می‌شود. به گزارش فارس، عباس لاجوردی، کارگردان جوان این فیلم درباره ساخت آن گفت: ما در منطقه‌ای فیلم را ساختیم که کملاً امنیتی است و تا قبل از آن هیچ گروه فیلمسازی نتوانسته بود در حرم حضرت زینب(س) وارد شود و فیلمبرداری کند و حتی به افراد عادی هم اجازه تصویربرداری با موبایل را هم نمی‌دهند و این در شرایطی بود که گروه‌های تکفیری و تروریستی در نزدیکی زینبیه مستقر بودند. کارگردان فیلم «جشن تولد» در ادامه افزود: ما در جایی مشغول کار بودیم که خود بازیگران و عوامل سوری نمی‌آمدند کار کنند بنابراین تمام کسانی که در فیلم حاضر شدند واقعا مرام به خرج دادند. به هر حال این افراد آمدند، آن هم در شرایطی که ما برخی سکانس‌هایمان را در شب باید می‌گرفتیم و نور پروژکتورها می‌توانست موقعیت ما را لو بدهد اما ما خودمان را بیمه حضرت زینب کردیم و خدا را شکر در طول فیلمبرداری هیچ اتفاق بدی رخ نداد.

■ ■ ■
نامه اعتراض آمیز انیمیشن‌سازان ایران پیرامون برگزاری جشنواره فیلم فجر

قرار بود جشنواره فجر به اعتلای سینمایینجامد!

در پی رفتار تبعیض آمیز مدیران سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر با عوامل آثار انیمیشن در جشنواره، تولیدکنندگان ۸ اثر حاضر در جشنواره در نامه‌ای با عنوان «جشنواره فجر با احتمال بارش کوفته قلقلی!» نسبت به این اقدام واکنش نشان دادند. در بخشی از متن نامه آمده است: «شلوغی سالان افتتاحیه جشنواره فجر، صدای چلیک چلیک دوربین‌ها، بوی تند ادکلن بازیگران و لباس‌های مرتبشان، اجازه نمی‌دهد کسی به فلسفه جشنواره فکر کند. به اینکه قرار بود جشنواره فجر به اعتلای سینما بینجامد. ایجاد شد و رفتی بر صنعت سینما شود. تا بتواند سره از ناسره تفکیک نماید و فرهنگ جشنواره فیلم را معرفی کند و به ما فیلمسازان مسیر درست سینما را نشان دهد. جشنواره‌های پررونق که برای بسیاری از فیلم‌ها، تبدیل به هدف شده است. در ماهه قبل کلید می‌خورند تا به فجر برسند و ستاره‌های فیلم‌ها روی فرش قرمز بیرون اما سینما منحصر به بازیگران زنده نیست. در دنیا، سینمای انیمیشن گیشه را قبضه می‌کند و دایره مخاطبان بیشتری را هدف می‌گیرد. صنعتی که هنوز طعم آن را درست نچشیده‌ایم، مگر چند گلمی که به شیرینی از آن ستانده‌ایم. سال گذشته به‌رغم بی‌مهری جشنواره سی‌وسوم، انیمیشن شاهزاده روم برخلاف پیش‌بینی‌ها، چندین برابر فیلم‌هایی فروخت که بازیگران روی فرش‌ها غلت می‌زدند و سیمیرغا به ابرایشان تنبک!» در ادامه این نامه خطاب به ایوبی که وعده سال انیمیشن داده بود، آمده است: «این سال انیمیشن! این است توجه ویژه به صنعتی که چند ماه از اعاده حیثیت سال‌های سردش، با فروش ۴ میلیاردی شاهزاده روم می‌گذرد. اهالی ۸ انیمیشن سینمایی حاضر در فجر، حتی شب گذشته در افتتاحیه جشنواره هم سهمی نداشتند! سوال اینجاست، در افتتاحیه‌ای که هنوز تنور جشنواره گرم نشده دعوت نبودیم، آیا در اختتامیه برای ما صندلی خالی دارید؟! آیا انیمیشن برادرخوانده سینماست که مستحق چنین بی‌حرمتی است؟! آیا باز هم قرار است با فروش گیشه و استقبال صاحبان اصلی جشنواره یعنی مردم، انیمیشن را به آغوش بکشید؟! مگر یک دعوت محترمانه یا تخصیص یک سیمیرغ بی‌جان، هزینه زیادی است که در قبالتش توسعه این صنعت دانش‌بنیان، جذب سرمایه‌های خصوصی و ژست حمایت از آن را به همراه دارد؟

■ ■ ■

کارگردان «کیمیا»

سریال جدیدی می‌سازد

تولید مجموعه تلویزیونی «خوشه‌های رنج» به قلم آرش قادری در مرکز امور نمایشی سیما بررسی می‌شود. مجموعه تلویزیونی «خوشه‌های رنج» نوشته آرش قادری در اختیار مرکز امور نمایشی سیما قرار گرفته و به نظر می‌رسد جواد افشار کارگردانی این سریال را برعهده بگیرد. جواد افشار که این روزها «کیمیا» طولانی‌ترین مجموعه ساخته شده در تلویزیون را روی آنتن دارد بناسبت با تهیه‌کنندگی نعمت چگینی این مجموعه را پس از تأیید مرکز گسترش فیلمنامه‌نویسی رسانه ملی کارگردانی کند. آرش قادری پیش از این فیلمنامه‌ای با عنوان «قول» را به مرکز امور نمایشی سیما ارائه کرده بود و به نظر می‌رسد «خوشه‌های رنج» بازویسی شده چندباره این فیلمنامه باشد. «قول» قصه‌ای اجتماعی دارد و قصه زندگی چند خانواده است که به خاطر جریان‌هایی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

یادداشت‌های روزانه سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر

جشنواره‌های عذاب‌آور!



مرتضی اسماعیل‌دوست: سخنرانی‌های متعدد از سوی مسئولان سینمایی و دبیر جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر پیش از آغاز این رویداد، سرشار از بیان جشنواره‌ای متفاوت بود اما اجرای اولین روز از برگزاری جشنواره نتیجه‌ای جز سهل‌انگاری به همراه نداشت تا شاهد فقدان هرگونه مدیریت منسجم در مهم‌ترین رویداد هنری سال باشیم. اوج این بی‌نظمی هنگامی رخ داد که صف طویل تشکیل‌یافته از سوی هنرمندان و منتقدان و اهالی رسانه با آماده نبودن فیلم «گیتا» برای پخش از هم پاشید و در نهایت بدون هرگونه اعلام قبلی و به شکلی ناگهانی، فیلم پادشده با ۷۵ دقیقه تأخیر با نواقص بسیار فنی و همراه با پرش‌های تصویری به اکران درآمد. این بی‌نظمی غیرقابل تصور که حتی رکورد تأخیر در اجرای نمایش‌های جشنواره

تئاتر فجر را هم پشت سر گذاشت، نقص موجود در فایل‌های دیجیتالی فیلم عنوان شد! از سوی باند صوتی سینمای برج میلاد به دلیل عدم تنظیم صحیح، صدای فیلم‌ها را همراه با انعکاسی عذاب‌آور به گوش می‌رساند و همه این معضلات که در نهایت با سطح نازل کیفی آثار تکمیل می‌شود وقتی با پدیده لذتبخشی چون سینما قرین می‌شود دردی مضاعف را ایجاد می‌کند، چرا که اصولاً تماشای فیلم آن هم در جشن سالانه سینمای ایران باید همراه با لذت باشد و نه عذابی جانکاه! درباره کیفیت فیلم‌ها هم به تفکیک در ادامه خواهد آمد که اگر آن را برآیند سال پیش روی سینما بدانیم، افسوس بسیار از شدت بیماری سینمای ایران را به دنبال خواهد داشت.

■ **اهالی خیابان یک‌طرفه» به کارگردانی مهدی باقری**

اولین اثر به نمایش درآمد در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر، طبق برنامه اعلام‌شده مستندی ساخته‌شده توسط مهدی باقری با نام «اهالی خیابان یک‌طرفه» بود که داستان خاطرات و فراموشی‌هاست. روایت غریب دورماندگی انسان از اصالت جان و جان‌نمایی که پژواک زندگی بودند و روح زیستن را در نگاه انسان به نقش درمی‌آوردند؛ هویت معماری که از خاستگاه سنت و حقیقت برمی‌خاست اما با هجوم مدرنیته به اسکلت‌هایی بی‌ریشه در این دیار بدل شد و «اهالی خیابان یک‌طرفه» داستان آدمی گمشده در همین چرخه نارواست، اگرچه فیلم تنها به انعکاس خاطرات مُردگی بسنده کرده و به کالبدشکافی جزایی آن نمی‌پردازد و برخلاف طرح اولیه اثر که تحقیق درباره پیشینه خیابان قوام‌السلطنه سابق و سی تیر کنونی بوده است، با طی مسیری متفاوت به تداوی خاطرات اهالی مطرح این خیابان می‌پردازد؛ از لوون هفتون بازیگر تا سعید خاک‌نگارمقدم کاشی‌کار که هر یک مسیر مماس‌یافته زندگی‌شان را با خیابانی که حال غبار یافته از غارت مدرنیته شده، حکایت می‌دارند. از این رو تناقض میان زبان حکایت و بیان روایت که یکی ریشه در تاریخچه خیابانی قدیمی داشته و دیگری اندر احوال مردم‌مانی خاطره‌نگار می‌رخد، شکلی دوگانه به اثر داده است.

از سوی فیلم‌قابلیت طرح پدیده تمدن‌گرایی در تغییر بافت شهر و تفکر برخاسته از سوی آن را نزد مردمان عصر آهن داشته است اما تمرکز فیلمساز بر بیان زندگی افراد موجب غفلت از پرداخت مسائل مهم پیرامون رخداد چون حادثه تقابل سنت و سعید قاسمی: «به دنیا آمدن» روایتگر کشمکش‌های زوجی در آستانه میانسالی درباره نگاه‌داشتن یا از بین بردن یک بچه ناخواسته است که پری ناگهان از سقط جنین منصرف می‌شود. این امر واکنش فرهاد را دربر دارد. واقع پیرنگ اصلی فیلم را کشمکش بین فرهاد و پری تشکیل می‌دهد. مشکلی که درباره پیرنگ اصلی در فیلم وجود دارد و به بافت روایت آسیب می‌رساند، در عدم بسط طرح اصلی نهفته است. افزوده شدن چند خرده‌پیرنگ غیرضروری و ناموتر در داستان، تمرکز مخاطب را بر هم می‌زند و پیرنگ اصلی را یا از مرکز به حاشیه می‌راند یا لحن جدی آن را از بین می‌برد. پس از وقوع بحران و آغاز مقابله پری و فرهاد، لحن مناسسی در فیلم حاکم نمی‌شود. علت این امر حضور کیان، فرزند این زوج است. یک پرسپه نونهال که درگیر داستان عاشقانه‌ای با نونهال دیگری به نام گلی است. صحبت‌های کیان درباره گلی، لحنی کمیک به فیلم می‌بخشد که کاملاً لحن فیلم را در رابطه با پیرنگ اصلی سرکوب می‌کند. زمان زیادی از فیلم صرف خرده‌پیرنگ‌های بی‌مصرف و بی‌اهمیت شده است. مساله عاشقی یک نونهال به یک دختر کمکی به پیشبرد قصه نمی‌کند. فیلمساز در این باره، نگاهی آسیب‌شناسانه به مساله ندارد. این امر از اهمیت این خرده‌پیرنگ (اگر اسمش را بگذاریم) مجدداً می‌کاهد. این زمان‌های صرف‌شده در مسائل بی‌اهمیت، به شکل‌گیری و انسجام و

مدرنیته شده است.

■ **برداشت دوم از قضیه اول» به کارگردانی پویان باقرزاده**

حضور برخی فیلم‌ها در جشنواره فیلم فجر، ماهیت و اصالت هیات انتخاب را با پرسشی بزرگ همراه می‌کند که از مهم‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به فیلم «برداشت دوم از قضیه اول» اشاره کرد که حتی فاقد اجرای اصول اولیه فیلمسازی است و برخی نماهای آن اشتباه گرفته شده است!

فیلمی که در سطح تصاویر آماتور خانوادگی قابل قیاس است و اگر بتوان بر آن عنوان فیلم گذاشت، درباره دور همی چند جوان برای ساخت فیلم بوده که در نهایت مشخص می‌شود خود آنها بازیگر فیلمی دیگر هستند. فیلم در فیلمی که ظاهراً می‌خواهد پرسش‌مدار از مرز و دایره حقیقت بر صحنه نمایش باشد اما به دلیل نبود

هرگونه فیلمنامه‌اجرای سطحی هیچ‌گونه رغبتی برای تماشای باقی نمی‌گذارد و از سوی بی‌مایگی فیلم موجب دور شدن شوق نوشتن نزد منتقد خواهد شد. نکته تاسف‌برانگیز دیگر برای هیات انتخاب و متولیان جشنواره فیلم فجر، گنجاندن هر فیلم جدا مانده از بخش‌های مختلف جشنواره در بخش «هنر و تجربه» بوده که ماهیت این بخش را دچار شکافی عمیق کرده است. این در حالی است از عنوان این بخش برمی‌آید که فیلم‌های اکران شده در آن باید در فرم و زبان روایت دارای نشانه‌هایی متفاوت از شکل مرسوم فیلمسازی باشند و قالبی فرم‌گرایانه و اندیشه‌های تجربه‌روزانه را به اجرا درآورند و نمی‌توان هر جنس بنجل و ساخته نابالگی چون «برداشت دوم از قضیه اول» را بدون وجود هرگونه مختصات هنر و تجربه بودن در آن قرار داد. فیلمی که بخش اعظمی از آن به شکل پلان سکانس اجرا شده و تئاتری بودن میزاسن‌ها و شکل ارائه‌اش یادآور فیلم «قاعده تصادف» ساخته بهنام بهزادی است. همچنین فیلمساز در نامگذاری و تم در نظر گرفته شده برای اثرش، گوشه چشمی به فیلم اکران نشده عباس کیارستمی با نام «قضیه شکل اول، شکل دوم» دارد و در پی آن بوده برداشتی از مفهوم پنهانکاری در جامعه را نمایان کند اما قضیه مهم این است که اصلاً مسأله‌ای در فیلم جان نگرفته که

فرهنگ و هنر



معترضدی نقش برجسته‌های دارد، چرا که با فیلمنامه بی‌در و پیکری مواجهیم که هر کاراکتر و رویدادی براحتی در آن آمد و شد دارد و نیاز به هیچ گونه اصولی هم در آن وجود نخواهد داشت! البته سازنده برای نامگذاری فیلم انتخاب مناسب‌تری هم می‌توانست داشته باشد و بهتر بود با این شاهکار هنری‌اش(!) عنوان می‌کرد «بیمه‌شب عذاب افتاد» چرا که عذابی دشوارتر از این نیست که تا ساعاتی بعد از نیمه‌شب به تماشای تصویری نشست که اوج خلاقیتش رد و بدل شدن عشق‌ورزی پسری جوان با زنی در سن و سال مادرش در وانت نیسان باشد و نقطه عطف فیلمنامه با رنگ کردن موی زن که زیبا نام دارد، رقم بخورد! واقعا باید حیران ماند از گزینش‌گری هیات انتخاب جشنواره و حال و روز سینمای ایران که چنین اثر رها شده و سطحی،

سودای سیمیر دارد.

فیلم درباره گروهی از زنان خدمتکار مستقر در باغی است که مجالس عروسی و عزا در آن برگزار می‌شود، در این میان به شکلی اتفاقی سر و کله جوانی خواننده با نام حسین پیدا می‌شود که به شکل کاملاً اتفاقی شیفته سینه‌چاک زنی بیوه می‌شود تا نهال عشقی ناگهانی در وسط باغ جوانه بزند! دنباله داستان را هم می‌توان نادیده از پایان خواند که مخاطب بخت‌برگشته باید شاهد انواع عشق‌ورزی جنون‌آمیز به روش حامد بهدادی(!) باشد که همراه با چاشنی مقادیر زیادی لودگی و بازی به شیوه همیشگی کاملاً اغراق‌آمیز در شکل و اجرای حرکات صورت، دست، پا و چشمان و سرشار از جنونی است که در نهایت به روش فیلمی چون «پررتقال خونی» به مرگ تبدیل می‌شود؛ آن هم به شکلی کاملاً ناخواسته و اتفاقی که ای کاش پسر زیبا که حسین نام دارد این حرکت قابل ستایش را زودتر از دقیقه ۸۵ فیلم انجام می‌داد تا تماشگر بخت‌برگشته دقیق‌تر زیادی شاهد رد و بدل شدن عشق به شیوه نوجوانان دهه هشتمی در فیلم نباشد. البته فیلم «بیمه‌شب اتفاق افتاد» حتی پس از

مرگ گذری مرد عاشق پیشه و صداپیشه! سودای پایان نداشتن و بارها انتظار پیدا شدن تیتراژ پایانی با داستان‌های بیپه‌وده و وصله‌دوزی‌هایی همراه می‌شود. فیلمساز در گفت‌وگوهای آنتشن خود با رسانه‌ها اشاره به این داشته که فیلم در ستایش زن است اما آنچه در فیلم مشاهده شد، حاکی از ستایش انواع نوجوانان پیش از انقلاب بوده که بارها روح بسیاری از آنها با صدای بهدادخان زنده می‌شود! حتی این ارادت‌ورزی منتهی به این می‌شود که زنان خدمتکار حدس می‌زنند آهنگ کدام خواننده در حال خوانده شدن است! با این همه فیلم «بیمه‌شب اتفاق افتاد» در رقابت برای کسب تشک برگز جشنواره از اولین روز جزو کاندیداهای در میان رقبایی آماده در این بخش خواهد بود، چرا که کارگردان فیلم که شاید به شکلی اتفاقی تهیه‌کننده هم درآمده تنها با ثبت قرارداد با حامد بهداد، ساخت فیلم و توجه به فیلمنامه را کاملاً رها کرده و همه چیز را به دست هنرنمایی(!) این بازیگر بخشیده است و از این روز کاراکتر حسین در فیلم «بیمه‌شب اتفاق افتاد» همه کار می‌کند؛ از زندگی و واوت نیسان تا خوانندگی، عاشق پیشگی، گلکاری، ظرف‌شویی و... و این شمایل تاسف‌برانگیز جشنواره و سینمای امروز ایران است.

■ ■ ■
«بیمه‌شب اتفاق افتاد» به کارگردانی تینا پاکروان

تینا پاکروان برای دومین ساخته سینمایی‌اش مناسب‌ترین نام را انتخاب کرده است البته نباید از سهم بایسته برگزارکنندگان زحمتکش جشنواره سی‌وچهارم که با یک ساعت تأخیر، زمان پخش فیلم را دقیقاً به اولین دقیقای از نیمه‌شب رساندند، در این همسوسازی یادی به عمل نیاورد؛ از طرفی عنصر اتفاق در متن نگاشته شده توسط طلا

قبابلیت رونمایی هم داشته باشد!

■ **«گیتا» به کارگردانی مسعود مددی**

«گیتا» فیلم حسرت‌هاست؛ غصه‌پر دردمارانگی و بلوغ شاعرانگی که نفس آدمی را به تنفس آگاهی می‌رساند. جاذبه محرک فیلم با مرگ متین، پسری جوان که از کودکی نزد گیتا و امیر بزرگ شده، روی می‌دهد و شوک مرگ پسر به دریاچه پنهانکاری گیتا که سال‌ها رازی ننگفته از بیان حقیقت داشته، در هم می‌پیچد تا ترازوی وجدان خود را نمایان کند که چه میزان سرشار از حسرت ناگفته‌هاست. اگرچه فیلم دارای معضلاتی است اما در اجرای مسعود مددی به اثری گرم و گیرا بدل شده است. فیلم ۳ پرده‌ای که در برخی مواقع قواعد سینمایی کلاسیک را نادیده انگاشته و سرراغ خرده‌پیرنگ‌ها می‌رود. در این میان ارتباط دوسویه مادرانگی و تمامیت‌خواهی نزد زنی چون گیتا که برای از دست ندادن متین، سال‌ها راز مهمی را از پسر پنهان کرده بود با بازی درست مریلا زارعی به‌خوبی نمایان می‌شود و جنین در حال رشدی که در درون گیتا وجود دارد با بلوغ فکری وی در رسیدن به راز مادرانگی قرین می‌شود. فیلم هر چند دقیقه‌براساس انتقال اطلاعات به صورت چکنای موزاری تازه برای مخاطب نمایان می‌کند. از ورود مسترن، مادر واقعی متین پس از سال‌ها زندگی در خارج از کشور گرفته تا ارائه فیلمی درباره آخرین لحظات تصادف و مرگ متین که البته این اطلاعات بدون توجه رها می‌شود. با این حال فیلم «گیتا» به برابر ساخته‌های بی‌هویت از انگاره سینما دارای تشخیصی در بیان بوده و مهم‌ترین مزیتش در این جشنواره غیرقابل تحمل، قابلیت تحمل آن است.

■ **«بیمه‌شب اتفاق افتاد» به کارگردانی تینا پاکروان**

تینا پاکروان برای دومین ساخته سینمایی‌اش مناسب‌ترین نام را انتخاب کرده است البته نباید از سهم بایسته برگزارکنندگان زحمتکش جشنواره سی‌وچهارم که با یک ساعت تأخیر، زمان پخش فیلم را دقیقاً به اولین دقیقای از نیمه‌شب رساندند، در این همسوسازی یادی به عمل نیاورد؛ از طرفی عنصر اتفاق در متن نگاشته شده توسط طلا

نقد فیلم «به دنیا آمدن» از آثار بخش سودای سیمیرغ جشنواره سی‌وچهارم فجر

ناتوان در روایت



بسط کشمکش میان فرهاد و پری لطمه وارد کرده است. مشکل دیگر فیلم عدم پرداخت مناسب شخصیت‌هاست. شخصیت فرهاد یک مستندساز روشنفکر است که علاقه‌ای به فرزند جدید ندارد. به عقیده او، نوزاد جدید پیشرفت او را در حرف‌های بی‌بین می‌برد. از طرف دیگر او استطاعت مالی نگهداری از نوزاد را ندارد. پری یک بازیگر تئاتر است که خانواده ثروتمندی دارد. او علاقه زیادی به بازیگری دارد اما ناگهان قید همه چیز را می‌زند. فیلمساز در ابتدای داستان از علاقه شدید و یک رابطه سلانسی‌مانتال بین این زوج برده برمی‌دارد.

ناتوان در روایت

فیلم «ناتوان» در روایت خود با مشکلات متعددی مواجه است. از جمله این مشکلات می‌توان به ضعف در شخصیت‌پردازی‌ها و عدم تعریف واضح از شخصیت‌ها اشاره کرد. فیلمساز در تلاش است تا با استفاده از دیالوگ‌ها و تصاویر، رابطه بین فرهاد و پری را به تصویر بکشد، اما این تلاش‌ها به اندازه کافی موفقیت‌آمیز نیست. همچنین، فیلم در پرداختن به موضوعات عمیق‌تر مانند فقر و نابرابری اجتماعی، ضعف دارد. این موضوعات به گونه‌ای مطرح می‌شود که بیشتر شبیه به تزیینات کلیشه‌ای به نظر می‌رسد. در نهایت، فیلم «ناتوان» به دلیل ضعف در روایت و پرداختن به موضوعات سطحی، نتوانسته است تا به مخاطب خود ارتباط عمیق برقرار کند.

جشنواره سی‌وچهارم تئاتر فجر با معرفی برگزیدگان پایان یافت



سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر عصر دوشنبه ۱۲ بهمن‌ماه با برگزاری مراسم اختتامیه در تالار وحدت و انتخاب برگزیدگان بخش‌های مختلف به کار خود پایان داد که البته با انتخاب مجدد سعید اسدی دبیر این دوره از جشنواره برای دبیری دوره سی‌وپنجم در سال آینده با حکم مهدی شفیعی، مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی همراه شد. به گزارش «وطن امروز»، در بخشی از این مراسم سعید اسدی، دبیر سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر روی صحنه حضور پیدا کرد و پیام خود را قرائت کرد که در آن جشنواره فجر به‌عنوان تحول‌سال تئاتر ایران خوانده شد. یکی دیگر از بخش‌های مراسم اختتامیه جشنواره سی‌وچهارم اختصاص به تجلیل از خانواده‌های ۲ شهید هنرمند سیدجواد خلیلی و سیدحسین حسینی داشت. در ادامه این مراسم نیز با حضور حجت‌الاسلام ابوترابی، مؤذنی نماینده بنیاد شهید و علی مرادخانی جایزه ایثار به موضوعات انقلاب اسلامی و ایثار و شهادت از به ایوب آقاخانی کارگردان «تکه‌های سنگین سرب»، نیما دهقان کارگردان «جنان گز» و کورش زارعی کارگردان «اروندخون» اهدا شد. در ادامه مراسم اختتامیه جشنواره تئاتر فجر، برگزیدگان بخش‌های طراحی پوستر و بروشور و نیز بخش‌های مسابقه تئاتر ایران، بخش نسل نو و مسابقه تئاتر بین‌الملل، تئاتر خیابانی معرفی شدند.

■ ■ ■
انتقاد کارگردان فیلم «گیتا» به نواقص فنی سینمای برج میلاد:

به فیلم‌کنندگان زدن!

فیلم سینمایی «گیتا» که پس از کتش و قوس فراوان و تأخیر در اکران با مشکلات بسیار صوتی و تصویری به نمایش درآمد، باعث شد مسعود مددی، کارگردان این فیلم در هنگام ترک سالن بگوید: «به اصلی‌ترین سکانس فیلمم گند زده‌اند!» بر این اساس پیگیری‌ها حکایت از این دارد که بیش از ۵۰ درصد فیلم‌ها به دفتر جشنواره نرسیده است که گویا نرسیدن فیلم «گیتا» و تأخیر در نمایش آن به همین دلیل بوده است. بر پایه این گزارش، یکی از استودیوهای که کار فیلم‌ها را انجام می‌دهد دچار مشکل شده که اشکال پخش اولین فیلم در بخش سودای سیمیرغ به کارگردانی مسعود مددی به دلیل آن بوده است.

■ ■ ■
اقتصاد مقاومتی در جشنواره هشتم تجسمی فجر

دبیر اجرایی هشتمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر گفت: نمایشگاه «هنر و اقتصاد مقاومتی» ضمن تجلیل از هنرمندان این عرصه در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود. به گزارش فارس، عبدالرحیم سیاهکارزاده دبیر اجرایی هشتمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر اظهار داشت: برنامه‌های متعددی برای جشنواره هنرهای تجسمی فجر در نظر گرفته شده که یکی از این برنامه‌ها برگزاری نمایشگاه «هنر و اقتصاد مقاومتی» است. وی افزود: تجلیل از خالقان آثار هنری در نمایشگاه «هنر و اقتصاد مقاومتی» به صورت مستقل در فرهنگسرای نیاوران برگزار خواهد شد. سیاهکارزاده برگزاری نمایشگاه تجسمی فجر در ۲۶ استان کشور، برگزاری نمایشگاه توانمندی‌های هنرهای تجسمی، فروش آثار در پایان جشنواره و هفته هنرهای تجسمی مکزیک و صربستان را از دیگر برنامه‌های هشتمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر برشمرد.

■ ■ ■
زندگی موسیقیدان شهید کتاب می‌شود

محبوبه معراجی‌پور از انتشار کتاب جدیدش با موضوع زندگینامه یکی از شهدای دفاع مقدس خبر داد. به گزارش تسنیم، این نویسنده گفت: زندگینامه شهید قاضی از شهدای دفاع مقدس را نوشته‌ام که در حال حاضر در دست تدوین و بازنویسی است. شهید قاضی از شهدای ۸ سال جنگ تحمیلی است که به دلیل فعالیت‌های هنری‌اش در زمینه آهنگسازی معروف است. وی آهنگسازی تعدادی از معروف‌ترین سرودهای انقلابی مانند «روح منی خمینی» و... را برعهده داشته است. نویسنده کتاب «عباس دست‌طلا» یادآور شد: این کتاب به احتمال زیاد با عنوان «پیانوی سفید» منتشر خواهد شد. معراجی‌پور درباره آثار دیگر در دست تولیدش گفت: «در غربت آلوئان» عنوان یکی از آثاری است که برای بیست‌و‌نهمین دوره نمایشگاه کتاب منتشر می‌شود.